



## پیشنهادی برای درس معارف، در آزمون سراسری

سردبیر

وقتی به سؤال‌های درس معارف اسلامی آزمون سراسری دانشگاه‌ها نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که این سؤال‌ها با محورهای اصلی و کلیدی محتوای آموزشی این درس که در دوره متوسطه دوم تدریس می‌شود، ارتباط اندکی دارند و در بسیاری از موارد هم در تضاد و تناقض با آن محورها می‌باشند و راه دیگری که مخالف با اهداف کتاب‌هاست، در پیش گرفته‌اند. به‌طور مثال، از ۲۵ سؤال درس معارف رشته تجربی در آزمون سراسری سال ۹۹، ۱۵ سؤال آن به‌نحوی طراحی شده که صرف ترجمه آیات از دانش‌آموزان خواسته شده و اگر دانش‌آموز ترجمه آیه را بداند، می‌تواند سؤال را پاسخ دهد و اگر ترجمه را نداند، از عهده پاسخ بر نمی‌آید. مثلاً در سؤال ۷۱ از دانش‌آموز سؤال می‌شود:

«انجام دستورات دینی با آرامش و بدون احساس سختی، از ثمرات انجام کدام فرمان الهی است؟»

آن‌گاه در گزینه‌های پاسخ به‌جای اینکه برخی فرمان‌ها بیاید تا معلوم شود که آیا دانش‌آموز، آن فرمان مورد نظر را می‌شناسد یا نه، چهار آیه به شرح زیر آمده است:

الف. للذین احسنوا الحسنی و زیادة و لایهق و جوهمم قتر و لاذلة.

ب. و لقد كتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عبادی الصالحون

ج. یا ایها الذین آمنوا کتب علیکم الصیام کما کتب علی الذین من قبلکم لعلکم تتقون.

د. و ما کان المؤمنون لینفروا کافة، فلو لا نفر من کل فرقة منهم طائفة لیتفقھوا فی الدین.

در آیات اول و دوم هیچ فرمانی نیامده تا دانش‌آموز مثلاً فرمان‌های آمده در چهار گزینه را با هم مقایسه کند و پاسخ بگوید. بلکه دانش‌آموز فقط باید ترجمه را بداند و از طریق ترجمه بداند که در این دو آیه اصلاً فرمانی نیست. این قبیل سؤال‌ها، اگر جنبه عربی سؤال را کنار بگذاریم، به سؤالات ساده‌ای تبدیل می‌شوند که پاسخگویی به آن‌ها نیازی به مطالعه جدی کتاب ندارند. نمونه دیگری که ضعف این قبیل سؤال‌ها را بیشتر آشکار می‌کند، سؤال ۶۷ همین آزمون است. در این سؤال، پرسیده شده: «پاسخ قرآن به کسانی که دچار حيلة شیطان می‌شوند و می‌گویند آب که از سرگذشت، چه یک و جب، چه صد و جب، کدام است؟»



در قسمت پاسخ، چهار آیه به شرح زیر آمده است:

۱. من جاء بالحسنة فله عشر امثالها
۲. والذين جاهدوا فينا لنهدينهم سبلنا
۳. قل يا عبادي الذين اسرفوا على انفسهم
۴. لا تقنطوا من رحمة الله ان الله يغفر الذنوب جميعا

دو آیه اول هیچ ارتباطی با سؤال ندارد و هر امتحان‌دهنده‌ای که اندکی عربی بداند، می‌فهمد که این دو آیه، گزینه مورد نظر نیست. گزینه‌های سوم و چهارم هم یک آیه است که تقطیع شده و یک قسمت آن در گزینه سوم و یک قسمت آن هم در گزینه چهارم قرار گرفته است. در واقع، طراحان سؤال از بی‌خبری داوطلب از ترجمه که جزء اهداف آموزشی او نبوده، استفاده کرده و یک سؤال ساده را به سؤال سخت تبدیل ساخته است. بیش از هشتاد درصد سؤال‌های درس معارف و قرآن در رشته‌های مختلف، از همین قبیل سؤال‌هاست؛ سؤال‌هایی که توجهی به محورهای اصلی محتوای آموزشی و اهداف یادگیری ندارند و دانش‌آموزان را به سمت یادگیری غلط و بی‌مورد سوق می‌دهد.

دانش‌آموزانی که باید می‌توانستند دلایل توحید، صفات و افعال الهی، نقش قضا و قدر در زندگی، رابطه اختیار و قضا و قدر، وجود ابتلائات و امتحانات و نقش آن‌ها در تکامل انسان، ضرورت نبوت، علت وحدت و یکی بودن دین، علت ختم نبوت، جایگاه امامت، سیره و نقش امامان در تمدن اسلامی، ضرورت حکومت در اسلام و ده‌ها موضوع دیگر از این قبیل، همراه با تبیین و تفسیر آن‌ها را یاد بگیرند، درگیرودار معنی آیات گرفتار شده و ناچار می‌شوند که به بدترین شکل یادگیری با آیات روبه‌رو شوند و صرفاً با ترفند ترجمه که جزء برنامه آموزشی آن‌ها نبوده، به سؤال‌ها پاسخ دهند. طراحان سؤال کنکور چنین اندیشیده‌اند که اگر به هر قیمتی سختی سؤال‌های درس معارف را افزایش دهند، بر اهمیت این درس افزوده‌اند و جایگاه درس را تقویت کرده‌اند، غافل از اینکه ملاک‌ها و معیارهای یادگیری و آموزش در درس معارف خلاف آن است.

به هر ترتیب، برای رهایی از این وضعیت که هم معلمان و هم دانش‌آموزان را کلافه

کرده و دانش‌آموزان را نسبت به این درس بی‌علاقه ساخته و معلمان را از تدریس طبیعی دور کرده، پیشنهاد می‌شود که: آزمون درس معارف و قرآن در آزمون سراسری، از حالت آزمون تستی سراسری حذف شود ولی نمره آن حذف نگردد.

آزمون پایان سال، این تفاوت را با آزمون سراسری دارد که ظرفیت سؤال‌های تشریحی را دارد و می‌توان از محورهای اصلی درس از دانش‌آموزان سؤال شود و دانش‌آموزان، کتاب درسی را به‌نحوی خواهند آموخت که بتوانند به این قبیل سؤال‌ها پاسخ صحیح دهند و از عهده این قبیل سؤال‌ها برآیند.

مزیت دیگر این طرح آن است که دانش‌آموزان، در هر سال، فقط محتوای آموزشی همان سال را باید امتحان بدهند و فرصت آن را دارند که کتاب را عمیق‌تر یاد بگیرند و معلمان نیز محتوای اصلی کتاب را به دانش‌آموزان بیاموزند.

ممکن است گفته شود که نمره امتحانات نهایی دانش‌آموزان نزدیک به یکدیگر است و آن دقت مورد نظر را برای رتبه‌بندی دانش‌آموزان ندارد. در پاسخ به این اشکال می‌گوییم که اصولاً باید با ملاک و معیاری دیگر به این درس نگاه کرد. همین قدر که دانش‌آموزان درس را جدی بگیرند و کتاب را بخوانند، برای ما کافی است. رتبه‌بندی دانش‌آموزان را باید در دروس تخصصی آن‌ها پیگیری کرد و نه در این درس و نه حتی در درسی مانند ادبیات فارسی و عربی.

اگر این تحول در آزمون درس معارف و قرآن صورت بگیرد، معلمان این درس با فراغ بال و بدون توجه به کنکور، بهتر می‌توانند کتاب را تدریس کنند و یادگیری را به سمت اهداف اصلی نزدیک سازند و فضایی بهتر برای تعامل با دانش‌آموزان به‌وجود آورند و همه این‌ها به تأثیر این درس در رفتار دانش‌آموزان کمک خواهد کرد.

اگر این پیشنهاد بخواند مثلاً از سال آینده اجرایی شود، باید فقط نمره امتحان پایان سال دوازدهم به‌جای آزمون کنکور قرار گیرد و سال بعد، نمره امتحان سال یازدهم و دوازدهم و سال بعد از آن، معدل نمره سه سال پایانی.

امید است که مسئولین به این پیشنهاد توجه کنند و برای اجرای آن چاره‌اندیشی نمایند.



به‌جای نمره آزمون سراسری، معدل نمره امتحان پایان سال پایه‌های دهم، یازدهم و دوازدهم جایگزین نمره آزمون سراسری شود

آزمون پایه‌های دهم تا دوازدهم، در این درس به‌صورت کشوری یا استانی و در یک روز برگزار شود و اوراق امتحانی مانند امتحانات نهایی تصحیح شود تا اعتبار آزمون افزایش یابد

